

A Comparative Consideration and Critique of Accounts of Ashura in Zaydi Sources

Ibrahim Gudarzi*

Mustafa Sadiqi Kashani Sayyid ‘Ali Musavinizhad*****

(Received on: 2017-07-09; Accepted on: 2018-08-28)

Abstract

Throughout different times and places as well as audiences, some sermons and talks of Sayyid al-Shuhada’ (Imam al-Husayn the Master of the Martyrs) has undergone changes in certain accounts of Ashura. Reliable Zaydi sources were not immune from such changes. Such hadiths in Zaydi sources can be divided into two categories: first, those that are not solely cited in Zaydi sources, and can indeed be found in Imami and Sunni sources as well, such as Imam al-Husayn’s letter to Banū Hāshim, his sermon in Dhū Ḥusam’s house, and his conversation with Ṭirimmāh ibn ‘Adiyy; second, those that are merely cited in Zaydi sources. Indeed, if they are to be found in Imami sources, they must have been transmitted from Zaydi sources: examples of this include the “death is inscribed” (*khuṭṭ al-mawt*) sermon. This paper deploys a descriptive-analytic method to compare accounts of Ashura in both categories of reliable Zaydi, Imami, and Sunni sources, showing that audiences or times and places have changed through changes in these accounts. We argue that negligence of these changes might occasion inaccurate analyses of these accounts.

Keywords: Sayyid al-Shuhada’, Karbala, Zaydis, Ashura Uprising.

* PhD student, Islamic History, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author), egoodarzi1192@chmail.com.

** Assistant professor, Department of Shiite History, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran, sadeqi48@isca.ac.ir.

*** Assistant professor, Department of Shiite Sects, University of Religions and Denominations, mousavi70@yahoo.com.

بررسی و نقد تطبیقی گزارش‌های عاشورایی منابع زیدیه

ابراهیم گودرزی*

مصطفی صادقی کاشانی** سید علی موسوی نژاد***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۶]

چکیده

ظرف زمان و مکان و نیز مخاطب برخی سخنان و خطبه‌های سیدالشهدا(ع) در برخی گزارش‌های عاشورایی تغییر یافته است. منابع معتبر زیدی نیز از این تغییرات مصون نمانده‌اند. چنین اخباری در منابع زیدی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست اخباری که منابع زیدی در نقل این گزارش‌ها منفرد نیستند و می‌توان آنها را در منابع امامیه و اهل سنت نیز مطالعه کرد، همچون نامه امام(ع) به بنی‌هاشم، خطبه آن حضرت در منزل ذوحُسم و گفت‌وگوی ایشان با طرَمَاح بن عدی. دسته دوم اخباری‌اند که اصلشان تنها در منابع زیدی قابل رصد است و اگر در منابع امامیه دیده می‌شود، از منابع زیدی به آثار شیعی راه یافته است، همچون خطبه حُطَّ الموت. تحقیق حاضر با شیوه توصیفی - تحلیلی ضمن مقایسه گزارش‌های عاشورایی یادشده از هر دو دسته در منابع معتبر زیدیه، امامیه و اهل سنت، از تغییر مخاطب یا ظرف زمان و مکان در این اخبار پرده برداشته، نشان می‌دهد که بی‌توجهی به این جابه‌جایی‌ها می‌تواند زمینه‌ساز برداشت و تحلیل نادرست از گزارش‌ها شود.

کلیدواژه‌ها: سیدالشهدا(ع)، کربلا، زیدیه، قیام عاشورا.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Egoodarzi1192@chmail.com

** استادیار گروه تاریخ تشیع، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. sadeqi48@isca.ac.ir

*** استادیار گروه فرق تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. mosavi70@yahoo.com

مقدمه

جایگاه بلند و والای سیدالشهدا(ع) در کنار عظمت و بزرگی حادثه عاشورا سبب ثبت و ضبط و بازتاب وقایع و اخبار قیام کربلا در منابع مذاهب مختلف اسلامی شد. علما و بزرگان زیدیه، یکی از فرق شیعی، نیز بخش‌هایی از اخبار عاشورایی را در آثار حدیثی و تاریخی خویش نقل کرده‌اند، به‌ویژه آنکه تولد این مذهب در سایه قیام و شهادت شخصیت‌هایی چون زید بن علی(ع) و یحیی بن زید بن علی(ع) شکل گرفت و آنان به‌شدت از قیام سیدالشهدا(ع) متأثر بودند. اگرچه تمام زوایا و جنبه‌های قیام امام(ع) همراه با آگاهی از لایه‌های پیدا و پنهان آن تنها در دسترس معصومان(ع) است، تکلیف ما برای تلاش بیشتر و مطالعه منابع مذاهب دیگر و تحقیق عمیق برای شناخت بهتر چرایی و چیستی نهضت کربلا ساقط نمی‌شود.

بی‌تردید درباره عاشورا، مانند بسیاری از وقایع تاریخی، انتظار داوری و تحلیل یکسان و همسو بی‌معنا است و این علاوه بر کمبود و نقصان گزارش‌های منابع، ناشی از تفاوت‌ها و اختلافات گسترده‌ای است که در مبانی و آرای تحلیلگران قیام وجود داشته که گاه منجر به تعارض و تناقض در میان نتایج به‌دست‌آمده شده است. با این حال هیچ فردی با هر مبنا و رأی کلامی و تاریخی نمی‌تواند منبعی بهتر از سخنان خود امام(ع) برای شناخت ابعاد قیام معرفی کند.

باید در نظر داشت که نقش تعیین‌کننده و اساسی زمان و مکان در رویدادهای تاریخی انکارنشدنی است. با آنکه در برخی منابع زیدی سخنان و خطبه‌هایی از سیدالشهدا(ع) نقل شده، مقدار اندکی از آن بیانات مربوط به ظرف زمانی قیام است. حجم فراوانی از سخنانی که آن حضرت در ظرف زمانی قیام ایراد فرموده، در منابع تاریخی امامیه و اهل سنت انعکاس یافته است. مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که پژوهشی درباره اخبار عاشورایی در منابع زیدیه صورت نگرفته است؛ از این رو این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی برای انجام بخشی از این مهم به نگارش درآمده است. در تحقیق حاضر به دنبال بررسی و نقد چند گزارش عاشورایی در منابع زیدی هستیم و

برای دستیابی دقیق به این مهم از مقایسه اخبار قیام کربلا در منابع زیدیه با گزارش‌های عاشورایی منقول در منابع اهل سنت و امامیه بهره خواهیم برد.

۱. نامه امام(ع) به بنی هاشم

یکی از کتاب‌های مهم حدیثی زیدیه کتابی است به شیوه *أمالی* که از امام زیدیان شمال ایران، ابوطالب الناطق بالحق یحیی بن حسین هارونی حسنی (۴۲۴ق) نقل شده است. این اثر بارها با نام *تیسیر المطالب فی أمالی ابی طالب* منتشر شده و آخرین بار زیدیان یمن آن را چاپ کرده‌اند. متن نامه آن حضرت در کتاب یادشده چنین است: «از حسین بن علی(ع) به محمد بن علی و اهل بیت او، اما بعد؛ همانا اگر به من ملحق شوید، شهید می‌شوید و اگر از من رو بگردانید، به نصرت دست نمی‌یابید. والسلام» (هارونی، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

به گفته هارونی، امام(ع) این نامه را پس از خروج از مکه و حرکت به سوی عراق در بستان ابن عامر، که اولین (هاشمی، ۱۴۱۳: ۲۱) یا سومین (ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۱۱۴/۵) منزل از منازل مکه تا کربلا بود، به محمد بن حنفیه نوشته است. از این منزل با نام «بستان بنی عامر» و «بستان ابن معمر» نیز یاد شده است (حموی، ۱۹۹۵: ۴۱۸/۱؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۱۷).

کتاب دیگری که نامه امام(ع) را می‌توان در آن مشاهده کرد *الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه* است. این اثر یکی از کتاب‌های مرجع و مهم در تاریخ‌نگاری زیدیه، نوشته دانشمند یمنی زیدی به نام حمید بن احمد محلی (۶۵۲ق) است. این کتاب که نسخه‌هایش از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده، دربرگیرنده تاریخ و شرح احوال پیشوایان مورد قبول زیدیه از آغاز اسلام تا قرن هفتم هجری است. این اثر در سال‌های اخیر دو بار به کوشش شهید دکتر مرتضی محطوری در یمن منتشر شده است. محلی در *الحدائق الوردیه* عین خبر هارونی را تکرار کرده است (محلی، ۱۴۲۳: ۱۱۳/۱). از آنجا که در میان منابع کهن زیدیه تنها هارونی ناقل این نامه است و با توجه به تقدم زمانی نگارش *تیسیر المطالب بر الحدائق الوردیه*، یکی بودن متن نامه در هر دو منبع و زیدی بودن نویسندگان دو کتاب می‌توان هارونی را منبع خبر محلی دانست.

کهن‌ترین منبع امامی که می‌توان نامه امام(ع) را در آن رصد کرد، *بصائر الدرجات* نوشته صفّار قمی (۲۹۰ق) از محدثان بزرگ شیعی است. در این کتاب از حمزه بن حُمران چنین نقل شده است:

با امام صادق(ع) درباره قیام حسین(ع) و همراه نشدن محمد بن حنفیه با آن حضرت سخن گفتیم. ایشان فرمود: «ای حمزه، در این مورد چنان با تو سخن گویم که دیگر در این باره سؤال نپرسی. چون حسین بن علی(ع) خواست به سوی عراق حرکت کند، کاغذی خواست و در آن نوشت: "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، از حسین بن علی(ع) به بنی‌هاشم، اما بعد؛ هرکس به من ملحق شود شهید می‌شود و هر آن که از من رو بگرداند، به فتح نمی‌رسد. والسلام" (صفار، ۱۴۰۴: ۴۸۱/۱).

مؤلف *کامل الزیارات* (۳۶۷ق) نیز این نامه را با سندی دیگر به نقل از زُراه از امام باقر(ع)، همراه با اندکی اختلاف با خبر صفّار نقل کرده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۷۵). مخاطب امام(ع) در نامه‌ای که ابن قولویه، هارونی و محلی نقل کرده‌اند، نه همه بنی‌هاشم، بلکه محمد بن حنفیه و اهل بیت و خاندان او هستند.

اگر این نقل بر خبر بصائر ترجیح داده شود، می‌توان تحلیل جدیدی از نامه ارائه کرد که براساس آن، از میان غایبان بنی‌هاشم در کربلا، تنها محمد بن حنفیه و فرزندان او مورد خطاب امام(ع) بوده‌اند و دیگران مشمول نامه نبوده‌اند.

امام(ع) نامه دیگری نیز از کربلا به محمد بن حنفیه نوشت که می‌تواند مؤیدی باشد بر اینکه نامه قبل شامل بقیه بنی‌هاشم نمی‌شده است؛ زیرا مخاطب آن نیز همه بنی‌هاشم نیستند. امام(ع) در این نامه می‌نویسد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، از حسین بن علی به محمد بن علی و بنی‌هاشمی که از اویند، اما بعد؛ گویا دنیا هیچ‌گاه نبوده و آخرت پیوسته بوده است. والسلام» (همان: ۷۵).

اینکه در نامه نخست امام(ع) «فتح» یا «نصر» به چه چیزی اشاره دارد، به روشنی معلوم نیست. اگر یکی از احتمالات را رسیدن به خلافت و قدرت بدانیم، می‌توان فتح

و نصر نیافتن محمد بن حنفیه و اهل بیتش را دور ماندن از حکومت تلقی کرد. به‌ویژه آنکه اعتقاد بسیاری از شیعیان به امامت محمد بن حنفیه، سپس فرزندش ابوهاشم (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۸۸؛ الله‌اکبری، ۱۳۹۲: ۸۹) نیز نتوانست سبب دستیابی آنان به حکومت شود. همچنین می‌توان به خلافت رسیدن عباسیان را مؤیدی دانست بر اینکه نامه امام(ع) شامل ابن عباس و فرزندانش نبوده است؛ چراکه آنان به قدرت رسیدند و مدت پنج قرن زمام خلافت را به دست گرفتند.

با آنکه در لَهوف متن نامه امام(ع) طبق نقل صفّار ذکر شده، ابن طاووس از منبع خبر خود نام نبرده است. حسینی، عاشوراپژوه معاصر، با این تصور که این نامه نخستین بار در لَهوف آمده، چنین خبری از امام صادق(ع) را نپذیرفته و چنین نامه‌ای از سیدالشهدا(ع) را از اساس انکار کرده است (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

علاوه بر آنچه گفته شد، معنا کردن «فتح نیافتن» به «دور ماندن از حکومت» سبب شده تا طبق برداشت این عاشوراپژوه، امام(ع) در نامه‌اش به بنی‌هاشم هشدار دهد که اگر آن حضرت را یاری نکنند، به پیروزی، یعنی حکومت، نخواهند رسید. حال آنکه برخی از هاشمیان، همچون زیدیه در طبرستان، اسماعیلیه در مصر و عباسیان در عراق — که اتفاقاً در زمان امام صادق(ع) بنی‌امیه را سرنگون کردند — به خلافت رسیدند.

از نظرگاه حسینی، این تعارضی آشکار میان محتوای نامه ارسالی سیدالشهدا(ع) برای بنی‌هاشم با واقعیت خارجی، یعنی دستیابی برخی از آل‌هاشم به حکومت، است که نشان می‌دهد گزارش نگارش و ارسال نامه از سوی امام(ع) برای خاندان خویش نادرست است.

در پاسخ باید گفت که سخنان این پژوهشگر پایه و اساس محکمی ندارد؛ زیرا

۱. به گمان او، نامه امام(ع) به برادرش در منابع پیش از لَهوف یافت نمی‌شود و سید بن طاووس (۶۶۴ق) نخستین کسی است که این خبر را نقل کرده (ابن طاووس، ۱۴۲۵: ۶۶) و چون گزارش سید مطابق نقل صفّار است، طبعاً مخاطب نامه همه بنی‌هاشم بوده‌اند، حال آنکه خبر نامه امام(ع)، آن گونه که گفته شد، پیش از لَهوف در *بصائر الدرجات*، *کامل الزیارات* و منابع زیدی به صورت مُسند و با عبارات متفاوت نقل شده است.

۲. محقق یادشده باید ثابت کند که مراد امام(ع) از واژه فتح یا نصر «حکومت» بوده است، در غیر این صورت برداشت وی از متن نامه صحیح نخواهد بود.

۳. با فرض اثبات نکته قبل، وی باید از میان متن‌های موجود، خبر بصائر را بپذیرد و خبر کامل الزیارات، تیسیر المطالب و الحدائق الوردیه را رد کند؛ چراکه مخاطب اصلی امام(ع) در منابع یادشده، نه همه بنی‌هاشم، بلکه بخشی از آنان — یعنی محمد بن حنفیه و خاندان او — است.

علامه مجلسی (۱۱۱۰ه ق) درباره مقصود امام(ع) از واژه فتح یا نصر احتمالاتی مطرح کرده است (مجلسی، ۱۳۶۳: ۸۱/۴۲). برخی از معاصران (ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۱۲۵/۵) نیز بدون آنکه درباره مقصود امام(ع) از دو واژه فتح و نصر سخنی بگویند، از نامه ایشان به «خبر دادن از آینده» تعبیر کرده‌اند که به نظر می‌رسد هرچند تعبیر یادشده نارسا است، به تحلیلی که ارائه شد و اینکه مقصود از فتح و نصر حکومت باشد، نزدیک است.

۲. خطبه «خُطَّ المَوْت»

خطبه‌ای که به «خُطَّ المَوْت» معروف است، از موانع و مسائل بحث‌برانگیز در پذیرش نظریه حکومت و یکی از ارکان نظریه شهادت‌طلبی سیدالشهدا(ع) است. در این بخش ابتدا این خطبه را در منابع زیدیه، امامیه و اهل سنت پی می‌گیریم، سپس آن را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

۲-۱. منابع زیدیه

این خطبه برای نخستین بار در یکی از مؤلفات زیدیه با عنوان المصابیح قابل رصد است (حسنی، ۱۴۲۳: ۳۷۱). این اثر یکی از منابع قدیمی درباره تاریخ پیشوایان دینی و امامان مورد قبول زیدیه است. اصل این کتاب تألیف دانشمند و فقیه زیدیان شمال ایران، ابوالعباس احمد بن ابراهیم حسنی (م ۳۵۳ق) است. او کتاب خود را با تاریخ پیامبر اسلام(ص) آغاز کرده و پس از یادکرد خلفای سه‌گانه، تاریخ امیرمؤمنان(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را آورده است. سپس تاریخ زید بن علی(ع) و یحیی

بن‌زید بن‌علی(ع) را ذکر کرده و گویا در این اثنا دوران زندگی‌اش به سر آمده و کار نگارش این کتاب نیمه‌تمام مانده است. پس از مؤلف *المصابیح*، شخصیت دیگری به نام علی بن‌بلال آملی (م قرن پنجم)، که او نیز از زیدیان شمال ایران بوده، کار وی را تکمیل کرده و تاریخ امامان زیدیه را تا اوایل قرن چهارم و حسن بن‌علی اطروش ادامه داده است. این کتاب که نُسَخ خطی آن در قرون گذشته در کتابخانه‌های یمن نگهداری می‌شد، در آن کشور منتشر شده و در دسترس است.

احمد بن‌ابراهیم این خطبه را به سند خود از محمد بن‌عبدالله بجلی از زید بن‌علی بن‌حسین(ع) و او از پدرش امام سجاد(ع) نقل کرده است (همان). بعدها هارونی در کتاب *أمالی* خود این خطبه را آورد و جعفر بن‌احمد (م ۵۷۳ق)، دیگر عالم زیدی که *أمالی* را جمع‌آوری کرده است، این خطبه را از وی نقل کرد (هارونی، ۱۴۲۲: ۲۸۲). محلی نیز خطبه را همانند هارونی نقل کرده (محلی، ۱۴۲۳: ۱۹۷/۱) که به احتمال قوی، مانند نامه امام(ع) به محمد بن‌حنفیه، آن را از وی اخذ کرده است. سند هارونی و محلی، به تصریح خودشان، به احمد بن‌ابراهیم می‌رسد. متن خطبه بر اساس خبر احمد بن‌ابراهیم حسنی، یعنی نخستین ناقل آن، چنین است:

ای مردم، مرگ برای فرزندان آدم، همچون گردن‌بند بر گردن دختران است و من بسیار مشتاق دیدار نیاکان خویشم؛ همان‌گونه که یعقوب به یوسف و برادرش اشتیاق داشت. برای من قتلگاهی است که آن را خواهم دید و گویا به اعضای خود می‌نگرم که چگونه درندگان بیابان‌ها آنها را میان نوایس و کربلا از هم جدا کرده، شکم‌های گرسنه خود را با آن سیر می‌کنند. خشنودی خدا خشنودی ما اهل بیت است؛ پس بر بلایش صبر می‌کنیم تا پاداش صابران را به ما عطا فرماید. میان پیامبر(ص) و پاره‌های تن او جدایی نیست، بلکه آنان در بهشت برین کنارش خواهند بود و چشم رسول خدا(ص) به آنان روشن خواهد شد و وعده آن حضرت درباره فرزندان‌ش جامه عمل خواهد پوشید. هر کس که جان‌ش را در راه ما می‌بخشد و خود را برای ملاقات با خدا آماده نموده، سفر کند. به‌راستی که من فردا، به خواست خدا، حرکت خواهم کرد (حسنی، ۱۴۲۳: ۳۷۱).

حسنى در انتها مى‌آورد كه «سپس به سوى دشمن تاخت و به شهادت رسيد». در روايت هارونى و محلى، عبارت «بين النوايس و كربلا» وجود ندارد؛ اما مانند نقل بالا، در پايان خبرشان آورده‌اند كه امام(ع) پس از اين خطبه به سوى دشمن حمله كرد و شهيد شد.

۲-۲. منابع اهل سنت

خوارزمى (م ۵۶۸ق) كه از علمای مقتل‌نگار اهل سنت در قرن ششم به حساب مى‌آيد، اين خطبه را با سلسله سندی كه به ابوطالب حسنى مى‌رسد، نقل کرده است؛ ولى خبر او جمله پايانى، يعنى حمله امام(ع) و شهادت ايشان، را ندارد (خوارزمى، ۱۴۲۳: ۸/۲).

۳-۲. منابع اماميه

حلوانى (م قرن پنجم) و أبى (م ۴۲۱ق)، از عالمان امامى قرن پنجم، در دو كتاب *نزهه الناظر* و *نثر الدرر* بدون بيان سند و منبع اين خطبه را نقل کرده‌اند (حلوانى، ۱۴۰۸: ۸۶؛ أبى، ۱۴۲۴: ۲۲۸/۱). بعدها سيد بن طاووس (۶۶۴ق) اين خطبه را بى‌آنكه به سند يا منبع آن اشاره كند، در *لهوف ذكر كرد* (ابن طاووس، ۱۴۲۵: ۱۲۶). مؤلف *مثير الاحزان* (ابن‌نما، ۱۴۰۶: ۴۱) و صاحب *كشف الغمه* (اربلى، ۱۴۲۱: ۵۷۳) نيز اين خطبه را نقل کرده‌اند. پس از سيد و ابن‌نما (م ۶۴۵ق) و اربلى (م ۶۹۲ق)، خطبه «خُط الموت» در آثار بعدى اماميه به شدت رواج يافت تا آنجا كه امروزه آن را يکى از ارکان اصلى نظريه شهادت‌طلبى سيدالشهدا(ع) مى‌دانند. جلالت قدر و جايگاه بلند سيد بن طاووس در ميان علمای اماميه مقتل او را رواج داد و سبب شد منبع قريب به اتفاق كسانى كه به اين خطبه استناد مى‌كنند، كتاب *لهوف* باشد. هرچند در گزارش سيد زمان دقيق ايراد خطبه مشخص نشده، با کنار هم نهادن سه نكته مى‌توان زمان ايراد آن را هفتم ذى‌الحجّه، يعنى شب خروج كاروان حسيني از مكه، دانست: **الف**) برپايه معتبرترين گزارش‌ها، امام(ع) در هشتم ذى‌الحجّه مكه را ترك كرد و راهى كوفه شد (بلاذرى، ۱۴۱۷: ۱۶۰/۳؛ طبرى، ۱۳۸۷: ۳۸۱/۵؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱: ۶۹/۵؛ ب) آن حضرت در متن خطبه به صراحت

می‌فرماید که فردا حرکت خواهد کرد؛ (ج) وجود جمله «لَمَّا عَزَمَ الی العراق» در ابتدای خبر سید حکایت از زمان ترک مکه دارد. نکات یادشده سبب این برداشت شده که زمان بیان این خطبه در آستانه خروج کاروان حسینی از مکه بوده است.

چالش و نکته جنجالی این خطبه در تحلیل واقعه عاشورا، بر اساس نظریه حکومت، آن است که طبق نقل سید، زمان ایراد این خطبه شب پایانی حضور امام(ع) در مکه بوده است. باید پذیرفت که قبول انتساب این خطبه به امام(ع) و مسلم انگاشتن زمان و مکان صدور آن نقش مهمی در تقویت نظریه شهادت‌طلبی ایشان دارد؛ زیرا با قبول اینکه امام(ع) در شب خروج از مکه این خطبه را با چنین عبارات صریح و بی‌پرده‌ای ایراد کرده است، نمی‌توان پذیرفت که برای حکومت به سمت کوفه رفته باشد. یکی از عاشوراپژوهان که قائل به نظریه شهادت است، در این باره می‌گوید:

امام(ع) با جمله «خَطَّ الموتُ علی وُلْدِ آدم»، یعنی فرزند آدم ناگزیر باید بمیرد، اشاره می‌کند که اصلاح فسادهای اجتماعی و دینی در این زمان جز از طریق مرگ و شهادت، آن هم به دست کسی مانند من که دخترزاده رسول خدایم، امکان‌پذیر نیست [...] ما می‌دانیم که امام حسین(ع) این خطبه را پیش از روز هشتم ذی‌الحجه و شاید روز هفتم آن ماه در مسجدالحرام و در میان انبوه حاجیان و زائران خانه خدا ایراد کرده است (آیتی، ۱۳۹۲: ۹۶-۹۳).

نویسنده کتاب حسین وارث آدم، که از مروجان نظریه شهادت‌طلبی در پیش از انقلاب اسلامی است، نیز می‌گوید:

در برابر همه جمعیت حاج که از سراسر کشورهای اسلامی آمده‌اند، اعلام می‌کند که من به سوی مرگ می‌روم: «خَطَّ الموتُ علی وُلْدِ آدم مخط القلاده علی جید الفتاه». کسی که می‌خواهد قیام سیاسی بکند این‌گونه سخن نمی‌گوید، می‌گوید می‌زنیم، می‌کشیم، پیروز می‌شویم، دشمن را نابود می‌کنیم (شریعتی، ۱۳۶۷: ۱۹/۱۵۲).

۴-۲. تحلیل و بررسی خطبه

مانعی برای پذیرش اصل صدور چنین خطبه‌ای از امام(ع) وجود ندارد؛ اما توجه به نکاتی که از واکاوی و بررسی زمان ایراد خطبه در منابع زیدی و نیز محتوای خطبه و سنجش آن با رویدادهای تاریخی قیام عاشورا به دست آمده، پذیرش شب خروج امام(ع) از مکه برای زمان ایراد این سخنان را با تردید جدی مواجه می‌کند:

۱. چنانکه از شواهد و قرائن پیدا است، منبع اصلی همه نقل‌های این خطبه کتاب *المصابیح* است که مؤلفش این خطبه را در میان اخبار شب عاشورا نقل کرده است. وجود عبارتی در پایان خطبه که از حمله امام(ع) و شهادت ایشان سخن گفته می‌تواند گویای این نکته باشد که در روایت احمد بن ابراهیم حسنی زمان بیان خطبه روز عاشورا بوده است؛ چنانکه خوارزمی نیز این خطبه را از خطبه‌های امام(ع) در روز عاشورا می‌داند (خوارزمی، ۱۴۲۳: ۸/۲).

۲. با توجه به روزهای شلوغ ایام حج، برداشت بسیاری از استنادکنندگان به این خطبه از جمله «قام خطیباً» (در ابتدای نقل سید) آن است که امام(ع) این کلمات را در اجتماع عمومی مجاوران و زائران مکه و در حضور تعداد بی‌شماری از حاجیان ایراد کرده است؛ چنانکه برداشت آیتی و شریعتی نیز همین بود. باید اعتراف کرد که بسترشناسی حوادث و بازشناسی خبر در منابع دیگر، چنین برداشتی را تأیید نمی‌کند. شاهد این سخن نقل ابوطالب زیدی و خوارزمی است که به صراحت از ایراد این خطبه در جمع اصحاب سخن گفته‌اند (هارونی، ۱۳۹۵: ۲۸۲؛ خوارزمی، ۱۴۲۳: ۸/۲).

همچنین طبق گزارش‌های تاریخی، اساساً امام(ع) تا پیش از مواجهه با زهیر بن قین از کسی نخواست به ایشان بیوندد. افزون بر این، بیان چنین مطالبی در شب پایانی اقامت امام(ع) در حرم الهی به معنای افشای زمان دقیق اجرای تصمیم آن حضرت برای حرکت به سوی عراق بود و با این کار، حاکم مکه از زمان دقیق خروج کاروان حسینی از شهر مطلع شده، از آن ممانعت می‌کرد. چنانکه پس از آگاهی از خروج آن حضرت، مأمورانش را به تعقیب کاروان فرستاد تا امام(ع) را برگردانند و مانع ادامه حرکت ایشان شوند، به

طوری که اصرار افراد حکومتی منجر به رد و بدل شدن ضربات تازیانه میان طرفین شد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۶۴/۳؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۴۴؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۸۵/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۶۸۲).

۳. سید بن طاووس خبر را با عبارت «رُوی أَنَّهُ (ع) لَمَّا عَزَمَ عَلَی الْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ...» آغاز کرده و از آنجا که خطبه را در ضمن حوادث خروج امام (ع) از مکه آورده معلوم می‌شود که برداشت او از زمان ایراد خطبه کمی پیش از ترک مکه بوده است؛ به‌ویژه آنکه پذیرش چنین زمانی با اندیشه سید — آن‌گونه که در مقدمه لهوف درباره فلسفه قیام سیدالشهدا (ع) سخن گفته — سازگارتر است. این جمله در ابتدای خبر حلوانی و آبی نیز دیده می‌شود. از آنجا که احتمال اینکه آن دو خطبه را از منابع زیدیه نقل کرده باشند بالا است، باید گفت که این جمله ابتدا در یک اثر زیدی به اصل خبر اضافه شده و از آنجا به منابع امامی راه یافته است. به نظر می‌رسد علت اضافه شدن جمله مورد بحث به آغاز خبر وجود جمله «إِنِّی رَاحِلٌ مُصَبِحًا» در خطبه باشد که سبب شده زمان ایراد آن هنگام خروج امام (ع) از مکه تصور شود و عبارت «لَمَّا عَزَمَ عَلَی الْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ» به ابتدای خبر افزوده شود. جمله مورد بحث در ابتدای خبر *مثیر الاحزان* و *کشف الغمه* نیز دیده می‌شود (ابن‌نما، ۱۴۰۶: ۴۱؛ اربلی، ۱۴۲۱: ۵۷۳) و پس از لهوف، همگان آن را نقل کرده و باعث رواجش شده‌اند.

با توجه به سند و اولین منبع خطبه، که ذکر آن گذشت، می‌توان اطمینان یافت که این خطبه از منابع زیدیه به منابع امامیه راه یافته است؛ به‌ویژه آنکه علمای بزرگ شیعی در منابع متقدم روایی و حدیثی، تاریخی، مقاتل و کتاب‌های مزار و زیارات آن را نقل نکرده‌اند. شباهت عبارت «لَمَّا عَزَمَ عَلَی الْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ» در ابتدای این خطبه که ابن طاووس نقل کرده با عبارت «لَمَّا أَرَادَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) الْخُرُوجَ إِلَى الْعِرَاقِ» در آغاز گزارشی که هارونی ناقل آن بود (بحثش در مورد سوم گذشت)، احتمال جابه‌جایی مکانی ایراد خطبه «خُطُّ الموت» را به شدت افزایش می‌دهد؛ به‌خصوص با آگاهی از اینکه مؤلف *المصابیح*، نخستین ناقل خطبه، آن را نه در شمار حوادث ترک مکه، بلکه در چنین وقایع شب عاشورا آورده و عبارت «لَمَّا عَزَمَ عَلَی الْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ» نیز در روایت *مُسند* او و دیگر منابع زیدی موجود دیده نمی‌شود (حسنی، ۱۴۲۳: ۳۷۱).

۴. با آنکه منابع تاریخی تأکید دارند که علت اصلی هجرت امام(ع) به کوفه نامه مسلم بن عقیل در تأیید نامه‌های کوفیان و تقاضای تعجیل او از آن حضرت برای رفتن به عراق بوده است، قبول این خطبه در موقعیت زمانی خروج کاروان حسینی از مکه درست در نقطه مقابل علت یادشده و در تعارض با آن است. در گفت‌وگوی امام(ع) با عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر درباره چرایی رفتن آن حضرت به عراق، به دعوت کوفیان و نامه مسلم بن عقیل درباره مهیا بودن وضعیت کوفه استناد شده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۶۳/۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۵۵/۳؛ اصفهانی، بی تا: ۱۱۰). آیتی نیز درباره شرایط سیاسی امام(ع) در هنگام بیان خطبه می‌گوید: «در آن روز به حسب ظاهر، اوضاع سیاسی امام حسین(ع) کاملاً مساعد بود و غالب مردم چنین می‌پنداشتند که به زودی یزید بن معاویه کنار می‌رود و خلافت او سقوط می‌کند و امام به خلافت، که حق او است، می‌رسد» (آیتی، ۱۳۹۲: ۹۴).

بر این اساس، حرکت امام(ع) به سمت عراق در همان روزی که مسلم بن عقیل در کوفه شهید می‌شود، یا یک روز پیش از آن پذیرفتنی است و خبر از مناسب بودن وضعیت به نفع قیام یا دست‌کم عادی بودن اوضاع می‌دهد؛ اقدام عمرو بن سعید (حاکم مکه) برای بازگرداندن کاروان حسینی را نیز می‌توان بر همین اساس تحلیل کرد. این در حالی است که محتوای خطبه با پاسخ امام(ع) به ابن عباس، ابن زبیر و ابن عمر و نیز مناسب بودن اوضاع سیاسی آن حضرت در آن ظرف زمانی تعارض دارد؛ از این رو نمی‌توان پذیرفت که امام(ع) از کشته‌شدن میان نوایس و کربلا سخن بگوید.

۵. با آنکه فلسفه بیان چنین سخنانی در قالب خطبه از سوی امام(ع)، چنانکه از جملات پایانی خطبه نیز برمی‌آید، جز غربال کردن همراهان احتمالی سفر فردا نبوده است، اینکه آیا اساساً در آن شرایط تاریخی نیازی به چنین چیزی بوده یا نه جای سؤال دارد. هم طرفداران نظریه شهادت و هم صاحبان نظریه حکومت در این نکته اختلافی ندارند که قصد امام(ع) از ایراد چنین خطبه‌ای فقط آزمودن و غربال یاران و لزوم همراهی آنان با شناخت و آگاهی از سرانجام کار بوده تا ندانسته پای در مسیر نهند و راه برای آنان تاریک و ناپیدا نباشد؛ اما به اتفاق تمام منابع، امام(ع) غربالگری همراهان

و یاران خویش را نه از مکه، که از منزل «زُبَّالَه» و پس از رسیدن خبر رسمی شهادت مسلم بن عقیل آغاز کرد. در آن منزل امام(ع) به خطبه ایستاد و پس از بیان تغییر شرایط کوفه و شهادت یارانش، بیعت خویش را از همگان برداشت. آنجا بود که بسیاری از پیوستگان به آن حضرت از اطرافش پراکنده شدند (ابن سعد، بی تا: ۶۷؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۴۸؛ بلاذری، ۱۳۹۷: ۱۶۹/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۸/۵-۳۹۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۵/۲-۷۶). البته امام(ع) به غربالگری همراهان خویش در «زُبَّالَه» اکتفا نکرد و چندین مرتبه این کار را تکرار کرد که اوج آن در شب عاشورا بود. با توجه به مطالب یادشده، صدور چنین خطبه‌ای پیش از رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل با ترتیب حوادث تاریخی قیام ناسازگار است.

۳. دیدار سیدالشهدا(ع) با طِرْمَاح

نویسنده تیسیر المطالب از ملاقات امام(ع) با طِرْمَاح بن عدی طائی در منزل «زُبَّالَه» خبر داده است (هارونی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). طبق گزارش هارونی، آن حضرت از طِرْمَاح سوال کرد: «از کجا می آیی؟». پاسخ داد: «از کوفه». امام(ع) پرسید: «اهل کوفه را چگونه یافتی؟». وی پاسخ داد: «قلوب کوفیان با تو و شمشیرهایشان با بنی امیه است». پس امام(ع) فرمودند: «راست گفتی؛ مردم بندگان دنیایند و دین بر زبانشان بازیچه است. تا وقتی که درآمد زندگی شان با دین افزایش می یابد بر گرد دین می گردند و چون با سختی ها مورد ابتلا قرار گیرند، دینداران اندک شوند» (همان).

محتوای گزارش تیسیر المطالب درباره ملاقات طرمّاح با امام(ع) از جهاتی مورد نقد است که به آنها اشاره می شود:

الف) مراجعه به دیگر منابع متقدم شیعی و اهل سنت نشان می دهد که در گزارش یادشده ظرف مکان ملاقات امام(ع) با طِرْمَاح جابه جا شده است؛ چراکه محل صحیح این دیدار منزل «عُدیب الهِجانات» بوده (طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۴/۵) و منزل «زُبَّالَه» محل رسیدن خبر رسمی شهادت مسلم بن عقیل، هانی بن عروه و عبدالله بن بقطر به آن حضرت است (ابن سعد، بی تا: ۶۷؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۴۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۶۹/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۸/۵-۳۹۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۵/۲-۷۶).

ب) امام(ع) از هنگام خروج از مکه و در ملاقات با افراد مختلف از اوضاع کوفه و کوفیان کسب اطلاع می‌کرد؛ اما پاسخی که در گزارش هارونی به طرمّاح نسبت داده شده، در اصل جوابِ فرزدق به سؤال سیدالشهدا(ع) از احوال کوفیان در ابتدای خروج آن حضرت از مکه و در منزل «صفاح» است (طبری، ۱۳۸۷: ۳۸۶/۵).

شناختن بستر گزارش‌ها در کنار بیان جمله فرزدق از زبان افراد متعدد سبب شده تا تحلیلگران تصور کنند که تعبیر «قلوبهم معک و سیوفهم مع بنی امیه» از ابتدای خروج امام(ع) از مکه به سوی کوفه مکرر به آن حضرت گفته شده و ایشان نیز چنین سخنی را تأیید کرده‌اند. تا آنجا که در خبری شیعی، امام(ع) در راه عراق از حیوان درنده‌ای که از کوفه به عدّان می‌رفت، درباره مردم کوفه پرسید و درنده همان جمله معروف فرزدق را گفت، آن‌گاه امام(ع) را از شهادت مُسلم بن عقیل نیز آگاه کرد (طبری، ۱۴۱۳: ۱۸۲).

مؤلف *مقاتل الطالبیین* هم در حالی جمله فرزدق را به اشتباه از زبان دو برادر اسدی که در تعلیقه خبر شهادت مُسلم و هانی را به امام(ع) دادند، نقل کرده (اصفهانی، بی‌تا: ۱۱۱) که خود او در کتاب دیگرش آن را سخن فرزدق و مربوط به منزل «صفاح» دانسته است (اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۵۸/۲۱). بنابراین از نظرگاه مقاله حاضر و بر اساس نگاه بسترشناسانه، جمله مشهور «قلوبهم معک و سیوفهم علیک» تنها یک بار و آن هم از زبان فرزدق خطاب به امام(ع) بیان شده است و موارد دیگر ضعیف و غیرقابل اعتمادند.

ج) سخنانی که هارونی از امام(ع) درباره اوصاف مردم کوفه نقل کرده، پاسخ آن حضرت به طرمّاح نبوده است، بلکه بر اساس برخی دیگر از منابع، بخشی از خطبه ایشان در نزدیکی کربلا خطاب به یارانش بوده که برای آزمودن و غربالگری آنان پس از سخت شدن شرایط و کوتاهی کوفیان در یاری آن حضرت ایراد شده است (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۳۳۷/۱).

د) با اینکه امام(ع) با چنین عبارات آشکاری ناامیدی خویش از کوفیان را ابراز داشته است، سکوت طرمّاح از چرایی بازنگشتن ایشان به حجاز عجیب می‌نماید. اگر جملات امام(ع) در جای درست خود، یعنی در حوالی کربلا و پس از چندین مرتبه

اتمام حجت و درخواست یاری از سپاه هزار نفری و تصمیم به بازگشت و ممانعت حرّ نگریسته شود، کاملاً بجا و برای آزاد نهادن یاران خویش در ادامه همراهی و یاری یا جدا شدن و نجات دادن جان آنها بوده است.

بنابراین افزون بر تغییر ظرف مکان دیدار طرّمّاح با امام(ع) از «عُدیب الهجانات» به «زُبّاله»، ظرف مکان سخنان آن حضرت نیز از اطراف نینوا به «زُبّاله» جابه‌جا شده؛ چنانکه مخاطب خطبه نیز از یاران به طرّمّاح تغییر یافته است.

جالب آنکه صاحب کشف الغمه نیز بدون ذکر نام منزله همین سخنان امام(ع) را در قالب گفت‌وگوی آن حضرت با فرزدق نقل کرده است (اربلی، ۱۴۲۱: ۵۷۵/۱). از نظرگاه نگارنده، این نوع جابه‌جایی مکانی و تغییر مخاطب اگرچه در نهایت به سود نظریه شهادت‌طلبی امام(ع) است، با گزارش‌های معتبر تاریخی و سیر حوادث قیام عاشورا همخوانی ندارد.

۴. خطبه امام(ع) در «ذو حَسَم»

هارونی گزارشی نقل کرده که طبق آن امام(ع) هنگام خروجش به سمت عراق خطبه‌ای برای یارانش ایراد کرد و پس از حمد و سپاس الهی فرمود:

پیشامد ما همین است که می‌بینید، اوضاع زمان دگرگون شده، زشتی‌ها آشکار و نیکی‌ها و فضیلت‌ها از محیط ما کنار رفته است، زندگی در این دنیا تلخ و ناگوار شده و دنیا به ما پشت کرده است. از فضائل انسانی جز ذره‌ای، مانند قطرات مانده در ته ظرف آب، نمانده است. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل بازداشته نمی‌شود؟ به‌راستی که مؤمن باید خواهان دیدار خدا باشد. من چنین مرگی را جز سعادت و زندگی با ظالمان و را جز ننگ و خواری نمی‌بینم.

در این وقت زهیر بن قین بلند شد و عرضه داشت: «ای فرزند رسول خدا، پروردگار همیشه راهنمای تو باشد، سخت را شنیدیم. به خدا سوگند، اگر دنیا برای ما جاودانه

بود و بنا بود ما در آن ماندگار باشیم و جدایی از آن تنها به خاطر یاری نمودن تو می‌بود باز هم نصرت تو و قیام با تو را بر ماندن در دنیا ترجیح می‌دادیم». پس امام(ع) برای او دعا کرد، آن‌گاه ابیات زیر را فرمود:

سأمضی و ما بالموت عار علی الفتی إذا ما نوى حقاً و جاهد مسلماً
و واسی الرجال الصالحین بنفسه و فارق مثبوراً و حارب مجرمماً
فإن عشت لم أندم و مت لم ألم کفی بک داء أن تعیش و ترغماً
(هارونی، ۱۳۹۵: ۱۴۳)

به سوی مرگ می‌روم، پس این برای جوانمرد عار نیست اگر نیت حق باشد و
جهاد کند

و در راه نیکان جانبازی کند و از تباهی و گنهکاران دوری نماید
اگر زنده بمانم، پشیمان نخواهم بود، و اگر مُردم، سرزنش نمی‌شوم
اما برای خواری تو، همین بس که ذلیلانه زندگی کنی

توجه به محتوای خطبه و جست‌وجو در منابع معتبر تاریخی از جابه‌جایی ظرف مکانی سخنان امام(ع) و زهیر بن قین در گزارش هارونی خبر می‌دهد؛ زیرا
الف) مخاطب شعر امام(ع) در نقل تیسیرالمطالب ناشناخته است.

ب) محتوای خطبه امام(ع) خبر از تغییر شرایط سیاسی و وخیم شدن اوضاع و کوتاهی کوفیان در یاری امام(ع) می‌دهد.

ج) طبق ظاهر گزارش و بدون در نظر گرفتن دیگر گزارش‌های تاریخی، زهیر بن قین به هنگام خروج امام(ع) از مکه همراه ایشان بوده است، حال آنکه وی در «زَرُود» (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۴۶)، بیستمین منزل (گروهی از تاریخ‌پژوهان، ۱۳۹۰: ۶۳۰/۱) از منازل مکه تا کوفه، به جمع یاران آن حضرت پیوسته است. از این رو با توجه به وجود سخنان زهیر در این خبر، اصل واقعه را باید در منازل بعد از «زَرُود» و پس از ملحق شدن وی به کاروان حسینی جست.

د) از آنجا که آگاهی امام(ع) از خبر شهادت مسلم بن عقیل سرآغاز تغییر وضعیت شرایط قیام به شمار می‌آید، می‌توان گفت که این خطبه پس از اطلاع آن حضرت از تغییر شرایط کوفه بوده است.

ه) بر اساس گزارش ابومخنف، امام(ع) سخنان مورد بحث را در منزل «ذوحُسم» برای اصحاب خویش بیان کرده است (طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۳/۵). این مکان بیست و نهمین (ری شهری، ۱۳۸۸: ۱۱۴/۵) یا سی و یکمین (گروهی از تاریخ‌پژوهان، ۱۳۹۰: ۶۳۰/۱) منزل از منازل مکه تا کربلا است. افزون بر طبری که خطبه را در شمار وقایع «ذوحُسم» نقل کرد، خوارزمی نیز ایراد آن را در هنگام ورود کاروان حسینی به کربلا ذکر کرده است (خوارزمی، ۱۴۲۳، ۳۳۷/۱).

در این منزل حُرّ بن یزید و یک‌هزار سوار به کاروان حسینی رسیدند و مقابل امام(ع) و یارانش صف کشیدند. حُرّ به امام(ع) گفت: «به ما دستور داده‌اند که وقتی به تو رسیدیم، از تو جدا نشویم تا تو را نزد عبیدالله بن زیاد ببریم» که با واکنش سخت امام(ع) مواجه شد. ابیاتی از امام(ع) هم که در پایان گزارش هارونی بدون مشخص کردن مخاطب آمده، در واقع پاسخ ایشان به تهدیدات حُرّ بن یزید بوده است (ر.ک: طبری، ۱۳۸۷: ۴۰۰/۵-۴۰۴).

سیدالشهدا(ع) در چنین شرایطی این خطبه را برای یارانش ایراد کرد و زهیر نیز آن‌گونه پاسخ داد. امام(ع) پیش‌تر و در «زُبَاله» نیز همراهانش را پالایش کرده بود (مفید، ۱۴۱۳: ۷۵/۲)؛ ولی پس از محاصره کاروان حسینی از سوی سپاه حُرّ، اوضاع سخت‌تر شده بود و آن حضرت برای دومین بار آمادگی یارانش را سنجید؛ به‌ویژه آنکه سپاهیان که از کوفه حُرّ را همراهی می‌کردند به یاری طلبی امام(ع) پاسخ مساعد ندادند و حُرّ نیز به آن حضرت اجازه بازگشت به سمت حجاز را نداد.

به نظر می‌رسد وجود عبارت «لَمَّا أَرَادَ الْحُسَيْنُ بِنِ عَالِي (ع) الْخُرُوجَ إِلَى الْعِرَاقِ خَطْبَ أَصْحَابِهِ...»، که در ابتدای گزارش تیسیرالمطالب آمده، سبب شده خبر را مربوط به زمان خروج امام(ع) از مکه بدانند و جعفر بن احمد این گزارش را در صدر اخبار عاشورایی هارونی بیاورد، حال آنکه گزارش مورد بحث، چنانکه گذشت، در واقع مربوط به منزل «ذوحُسم» است.

نتیجه

در تحقیق حاضر اخباری همچون نامه امام(ع) به محمد حنفیه، ملاقات و گفت‌وگوی امام(ع) با طرّمّاح، خطبه امام(ع) در جمع یارانش پس از محاصره کاروان اهل بیت از سوی سپاه هزار نفری حرّ بن یزید ریاحی و خطبه آن حضرت در شب خروج از مکه بازخوانی شد. بازپژوهی اخبار یادشده در منابع زیدیه، در کنار مقایسه آنها با گزارش‌های مشابه در منابع امامیه و اهل سنت، حکایت از آن دارد که مخاطب برخی از سخنان و خطبه‌های سیدالشهدا(ع) و نیز ظرف زمان و مکان آنها تغییر یافته است. مهم‌ترین تغییر مربوط به خطبه «خُطْبَةُ الْمَوْتِ» است که یکی از ارکان اصلی نظریه شهادت طلبی سیدالشهدا(ع) به شمار می‌رود و نقش مهمی در گسترش این نظریه در میان شیعیان امامی داشته است. جابه‌جایی مخاطب و بی‌دقتی در ملزومات زمانی و مکانی هر یک از اخبار سبب تغییر در برداشت‌ها و به خطا رفتن تحلیل صاحب‌نظران خواهد شد که پژوهش حاضر تلاش کرد زمینه چنین اشتباهاتی را گوشزد و تحلیل‌گران حادثه عاشورا را در استناد به اخبار دقیق‌تر و نزدیک شدن به واقع یاری کند.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۲۵)، *اللّهوف علی قتلی الطفوف*، تحقیق فارس تبریزیان، تهران: اُسوه.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه.
- ابن اعثم، احمد (۱۴۱۱)، *الفتوح*، بیروت: دارالاضواء.
- ابن سعد، محمد (بی‌تا)، *ترجمه الامام الحسین(ع)*، محقق: عبدالعزیز طباطبایی، بی‌جا: الهدف للإعلام و النشر.
- ابن نما، جعفر بن محمد (۱۴۰۶)، *مثیر الاحزان*، تحقیق مدرسه الإمام المهدی(عج)، قم: مدرسه الإمام المهدی(عج).
- إربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱)، *کشف الغمه فی معرفه الأئمه(ع)*، تحقیق احمد حسینی، قم: رضی.
- اصفهان‌ی، علی بن حسین (۱۴۱۵)، *کتاب الأغانی*، بیروت: دار الإحياء التراث العربی.

- اصفهانی، علی بن حسین (بی تا)، *مقاتل الطالبیین*، بیروت: دارالمعرفه.
- آبی، منصور بن حسین (۱۴۲۴)، *نثر الدرر فی المحاضرات*، محقق: خالد عبدالغنی محفوظ، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۹۲)، *بررسی تاریخ نهضت حسینی*، تحقیق و تصحیح سید عبدالله حسینی، قم: دارالعرفان.
- بالذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، *انساب الاشراف*، بیروت: دارالفکر.
- جعفری، حسین (۱۳۸۹)، *تشیع در مسیر تاریخ*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسنی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۳)، *المصاییح*، صنعاء: مؤسسه الامام زید بن علی (ع).
- حسینی، عبدالله (۱۳۸۶)، *معرفی و نقد منابع عاشورا*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸)، *نزهه الناظر و تنبیه الخاطر*، تحقیق: مدرسه الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسه الإمام المهدي (عج).
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دارصادر.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۲۳)، *مقتل الحسین (ع)*، تصحیح سماوی، قم: انوار الهدی.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۸)، *الاخبار الطوال*، قم: منشورات الشریف الرضی.
- ری شهری، محمد (۱۳۸۸)، *دانش نامه امام حسین (ع)*، قم: دارالحديث.
- سیط بن جوزی، یوسف بن فرغلی (۱۴۱۸)، *تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمه علیهم السلام*، قم: منشورات رضی.
- شریعتی، علی (۱۳۶۷)، *مجموعه آثار*، ج ۱۹ (حسین وارث آدم)، تهران: انتشارات قلم.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*، تحقیق محسن کوجه باغی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳)، *دلایل الإمامه (منسوب)*، تحقیق الدراسات الاسلامیه البعثه، قم: البعثه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: دار التراث.
- گروهی از تاریخ پژوهان (۱۳۹۰)، *مقتل جامع سیدالشهدا (ع)*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- الله اکبری، محمد (۱۳۹۲)، *عباسیان از بعثت تا خلافت*، قم: بوستان کتاب.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، تهران: اسلامیه.
- محلی، حمید بن احمد (۱۴۲۳)، *الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه*، صنعاء: مکتبه بدر.

بررسی و نقد تطبیقی گزارش‌های عاشورایی منابع زیدیه / ۱۶۳

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجره.
مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیت
لاحیاء التراث، قم: کنگره شیخ مفید.
هارونی، یحیی بن حسین (۱۳۹۵)، *تیسیر المطالب فی أمالی الامام أبی طالب*، تحقیق عبدالله بن حمود
العزّی، صنعاء: مؤسسه زید بن علی الثقافیه.
هاشمی، علی بن حسین (۱۴۱۳)، *الحسین(ع) فی طریقته الی الشهاده*، بغداد: مطبعه الزهراء(س).

References

- Ibn Tawus, 'Ali ibn Musa. 2004. *Al-Luhuf 'ala Qatla al-Tufuf* (Sighs of Sorrow for the Victims of the Riverside). Edited by Faris Tabriziyan. Tehran: Usvih. [In Arabic]
- Ibn Qulawayh, Ja'far ibn Muhammad. 1977. *Kamil a-Ziyarat* (Complete Collection of Pilgrimages). Edited by 'Abd al-Husayn Amini. Najaf: Dar al-Murtadawiyya. [In Arabic]
- Ibn A'tham, Ahmad. 1990. *Al-Futuh* (The Opening). Beirut: Dar al-Adwa'. [In Arabic]
- Ibn Sa'd, Muhammad. n.d. *Tarjimat al-Imam al-Husayn* (The Biography of Imam al-Husayn). Edited by 'Abd al-'Aziz Tabataba'i. Cairo: al-Hadaf li-l-I'lam wa-l-Nashr. [In Arabic]
- Ibn Nama, Ja'far ibn Muhammad. 1985. *Muthir al-Ahzan*. Edited by Al-Imam al-Mahdi School. Qom: Madrasat al-Imam al-Mahdi. [In Arabic]
- Irbili, 'Ali ibn 'Isa. 2000. *Kashf al-Ghimma fi Ma'rifat al-A'imma* (Removal of Sadness in Knowledge of the Imams). Edited by Ahmad Husayni. Qom: Razi. [In Arabic]
- Isfahani, 'Ali ibn al-Husayn. 1994. *Kitab al-Aghani*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Isfahani, 'Ali ibn al-Husayn. n.d. *Maqatil al-Talibin* (The Stories of the Murder of the Aspirants). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Abi, Mansur ibn al-Husayn. 2003. *Nathr al-Durar fi-l-Muhadarat* (Spreading the Pearls in Lectures). Edited by Khalid 'Abd al-Ghaniyy Mahfuz. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Ayati, Muhammad Ibrahim. 2013. *Barrasi-yi Tarikh-i Nihzat-i Husayni* (A Consideration of al-Husayn's Movement). Edited by Sayyid 'Abd Allah Husayni. Qom: Dar al-'Irfan. [In Persian]
- Baladhuri, Ahmad ibn Yahya. 1996. *Ansab al-Ashraf* (The Genealogy of the Noble). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ja'fari, al-Husayn. 2010. *Tashayyu' dar Masir-i Tarikh* (Shiism on the Path of History). Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang-i Islami. [In Persian]
- Al-Hasani, Ahmad ibn Ibrahim. 2002. *Al-Masabih* (The Lights). Sana'a: Al-Imam Zayd ibn 'Ali Institute. [In Arabic]

- Husayni, 'Abd Allah. 2007. *Mu'arrifi va Naqd-i Manabi'i 'Ashura* (An Introduction and Critique of the Sources of Ashura). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
- Halwani, Husayn ibn Muhammad. 1408. *Nuzhat al-Nazir wa Tanbih al-Khatir* (The Excursion of the Viewer and the Alert for Thought). Edited by al-Imam a-Mahdi School. Qom: Madrasat al-Imam al-Mahdi. [In Arabic]
- Hamawi, Yaqut ibn 'Abd Allah. 1995. *Mu'jam al-Bildan* (Dictionary of Cities). Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
- Khwarazmi, Muwaffaq ibn Ahmad. 2002. *Maqtal al-Husayn* (The Murder of al-Husayn). Edited by Samawi. Qom: Anwar al-Huda. [In Arabic]
- Dinawari, Abu Hanifa. 1989. *Al-Akhbar al-Tiwal* (Lengthy Hadiths). Qom: Manshurat al-Sharif al-Radiyy. [In Arabic]
- Rayshahri, Muhammad. 2009. *Danishnami-yi Imam Husayn* (Encyclopedia of Imam Husayn). Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Sibt ibn Jawzi, Yusuf ibn Furughli. 1997. *Tadhkirat al-Khawass min al-Umma bi-Dhikr Khasa'is al-A'imma 'Alayhim al-Salam* (Reminder of Elite Muslims by Mentioning the Characteristics of the Imams Peace be upon Them). Qom: Manshurat-i Razi. [In Arabic]
- Shari'ati, 'Ali. 1988. *Majmu'ih Athar* (Collected Work). Vol. 9: Husayn Varis-i Adam (Husayn, Adam's Heir). Tehran: Qalam Publications. [In Persian]
- Saffar, Muhammad ibn al-Hasan. 1983. *Basa'ir al-Darajat fi Fada'il Al Muhammad* (Insights of the Degrees in Virtues of Muhammad's Family). Edited by Muhsin Kuchibaghi. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Arabic]
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (attributed). 1992. *Dala'il al-Imama* (Arguments for Imamate). Edited by al-Bi'tha Islamic Studies. Qom: al-Bi'tha. [In Arabic]
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. 1967. *Tarikh al-Umam wa-l-Muluk* (History of the Nations and the Kings). Beirut: Dar al-Turath. [In Arabic]
- Group of Researchers of History. 2011. *Maqtal-i Jami'-i Sayyid al-Shuhada*. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. [In Persian]
- Allah Akbari, Muhammad. 2013. *'Abbasiyan az Bi'that ta Khilafat* (Abbasids from the Beginning of Islam through Caliphate). Qom: Bustan-i Kitab. [In Persian]
- Majlisi, Muhammad Baqir. 1984. *Bihar al-Anwar al-Jami'a li-Durar Akhbar al-A'immat al-Athar* (The Seas of the Lights Encompassing Pearls of Hadiths from the Pure Imams). Tehran: Islamiyya. [In Arabic]

- Mahalli, Hamid ibn Ahmad. 2002. *Al-Hada'iq al-Wardiyya fi Manaqib A'immat al-Zaydiyya* (Gardens of Roses on the Virtues of Zaydi Imams). Sana'a: Maktaba Badr. [In Arabic]
- Mas'udi, 'Ali ibn al-Husayn. 1988. *Muruj al-Dhahab wa Ma'adin al-Jawhar* (Meadows of Gold and Mines of Jewelry). Edited by As'ad Dagher. Qom: Dar al-Hijra. [In Arabic]
- Mufid, Muhammad ibn Nu'man. 1992. *Al-Irshad fi Ma'rifa Hujaj Allah 'ala-l-'Ibad* (The Guidance to Knowledge of God's Proofs to His Servants). Edited by Mu'assisa Al al-Bayt li-Ihya' al-Turath. Qom: Al-Shaykh al-Mufid Conference. [In Arabic]
- Haruni, Yahya ibn al-Husayn. 2016. *Taysir al-Matalib fi Amali al-Imam Abi Talib* (Facilitation of the Material on Dictates of Imam Abu Talib). Edited by 'Abd Allah ibn Hamud al-'Izzi. Sana'a: The Cultural Institute of Zayd ibn 'Ali. [In Arabic]
- Hashimi, 'Ali ibn al-Husayn. 1992. *Al-Husayn fi Tariqih ila al-Shahada* (al-Husayn on his Path to Martyrdom). Baghdad: Matba'at al-Zahra. [In Arabic]